

کنزابورانه برنده نوبل ادبی ۱۹۹۴

از تأثیر سلین در سیر نویسندگی اش می گوید

کنزابور اوئه رمان نویس ژاپنی و برنده جایزه نوبل ادبی سال ۱۹۹۴ از تأثیر سلین در سیر نویسندگی اش سخن می گوید، آثاری که عمیقاً متأثر از تجربه تلخ حادثه هیروشیما بوده و به شدت بدبینانه است.

خواندن کتاب شمال^۱ در پاییز سال ۱۹۶۰ بر من شوکی وارد کرد که پی آمدهای مهم و پیچیده‌ای را به دنبال داشت. من بیست و پنج سال داشتم و تازه نویسندگی را به صورت حرفه‌ای و برای کسب معاش شروع کرده بودم. اکنون به سنی نزدیک شده‌ام که سلین هنگام نوشتن «سه گانه آلمانی» اش داشت و من درمی یابم که با وجود حوادثی مانند حادثه یازده سپتامبر و بمبارانهای افغانستان و بحران فلسطین و اسرائیل که دنیا را تکان داده‌اند، هنوز از تأثیر آن شوک رها نشده‌ام. در طی چهل سال گذشته بارها و بارها به این واژه‌های تحریک کننده گوش فراداده‌ام: دل داشته باش کوچولو!

در آن زمان اگر کسی کارکشته نبود مشکل می توانست کتابهای تازه انتشار یافته فرانسوی را پیدا کند. من ادبیات فرانسه می خواندم و بخشی از جوانیم را صرف خواندن آثار سارتر کرده بودم و اگر سفر به انتهای شب را خواندم تنها به خاطر تأثیر آن بر سارتر بود. در این هنگام استاد من در دانشگاه، کتاب جدید سلین را که انتشارات گالیمار چاپ

کرده بود به من داد. استادم چیزی به من نگفت. حتی اگر از این کار منظوری داشت، که بی شک همینطور بود، آن را پنهان کرد.

آن روز رفتم به او بگویم که از ادامه تحصیل در مقطع دکترا منصرف شده‌ام. مسئله ازدواج در تصمیم به ترک تحصیل و رفتن به دنبال حرفه نویسنده‌گی که برای آن چشم اندازهایی نیز داشتم، بی‌تردید مؤثر بود. چیزی که در ابتدا تنها برایم جذباتی مبهم داشت زود به ضرورتی بی‌چون و چرا مبدل شد. چه بسیار بوده‌اند جوانانی که با شور و شوق و با نقل این جملات سلین، خود را نویسنده خوانده‌اند: «راوی صادق!... البته بایستی آنجا بود... شرایط! اینها، همه مردم نیستند...!»

با استادم درباره سفری که به چین کرده بودم صحبت کردم. من جوان‌ترین نویسنده گروهی به نمایندگی از یک جنبش مدنی بر علیه معاهده جدید امنیتی ژاپن - آمریکا بودم. در پکن ما را شبانه از کوره راهی آکنده از بوی گلهای مریم به ویلای کوچک و دورافتاده‌ای بردند که در آن مائوتسه‌تونگ منتظر ما بود. مائوتسه‌تونگ نشسته بر اریکه افتخار، یکی پس از دیگری سیگار گراند پاندا می‌کشید و در حالی که تظاهر می‌کرد که مخاطب او فقط و فقط نخست‌وزیرش جوان‌له است، با ما مصاحبه کرد و محتویات آن مصاحبه، نقل قولهایی از آثار خودش بود.

گمان می‌کنم استادم می‌خواست بداند واکنش من نسبت به واژه‌هایی مانند چین و یا چینی چه بود، واژه‌هایی که سلین در اثر اخیر خود آنها را به صورت سمبلی قوی و مستقیم به کزات آورده بود. سلین علی‌رغم انزوا، بی‌تردید، یک پیشگو بود.

اما در این زمان سمبلهای قوی دیگری نیز وجود داشت: هیروشیما و بمب اتم. و هیروشیما یکی از موضوعات اصلی زندگی من بود. استادم کتابی را در افشا و تقییح گامهای نخست به سوی اتم، ترجمه کرده بود، موضوعی که هنوز هم داغ است. شاید استادم نقد ژان لویی باری را در مجله اکسپرس خوانده بود که می‌گفت شخصیت باردامو یعنی خود سلین، پانتاگروئل عصر اتمی می‌باشد. از طرفی، استاد من عمر خود را صرف ترجمه و مطالعه گارگانتوئا و پانتاگروئل کرده بود.

می‌بایست خود را برای مسئله سلین آماده می‌کردم، مسئله‌ای که تنها با خواندن کتاب شمال حل نشده بود و هنوز هم کاملاً حل نشده است. گو این که حزم و دوراندیشی غریزی مرا از نزدیک شدن به این مسئله برحذر می‌داشت و من خود نیز به عنوان یک نویسنده می‌خواستم از این مسئله به دور باشم. اما همچنان تا جایی که می‌توانستم

کتابهای سلین را فراهم کنم آنها را می خواندم.

چرا که قبل از آن، خواندن کتاب شمال مرا شیفته خود کرده بود. سلین آن صحنه را چه سرزنده ترسیم می کند، صحنه ای که طی آن لولیان شهر برلین شورش می کنند و پیرمردی مجلس به لباس نظامی را در زمینی متروک به اسارت گرفته و کتک می زند و سپس اسبی را که به کمک پیرمرد شتافته بود، می خورند. سلین به مدد نیرویی محرک که او را پیش می راند در نوشتن این قسمت غوغا می کند. خود داستان و استواری سبک آن که مبنای همان چیزی است که من در بالا «مسئله سلین» نامیده ام، ما را به عالمی می کشاند که در آن، زبان خلاق سلین همانند آدمخواران از رمان تغذیه می کند. و من، بی هیچ مایه و اساس امیدوارانه ایمان داشتم که این نیرو در نهایت به زبان رمان مبدل می شود...

در این حین، مسیر نویسندگی ام با تولد کودکی معلول دگرگون شد، به نحوی که زندگی من با این بچه به موضوع اصلی کارم بدل شد. در عین حال، ارتباطم را با قربانیان هیروشیما عمیق تر می کردم. هیروشیما نیز مانند «مسئله سلین» در بطن این نقل قول از کتاب شمال قرار داشت:

«با گذشت زمان پس از بیست سال، سرهای اتمی، گویا هفتاد و پنج هزار عدد سر حاضر است، سرهایی که حاصل آرزوهای غریب برخی بوده و در خور این افراد می باشند! زود بیرون بیندازیدشان، لعنتی ها، زود! اتم همه خارج می شود! مثل آب دهانی که همه عالم را بگیرد!...»

کسانی که در حادثه هیروشیما در معرض تشعشع اتمی قرار گرفتند امروز نیز با طرد جهان بینی اتمی، جنبش مدنی خود را در جهت نابودی سلاحهای اتمی ادامه می دهند. این قربانیان تا آنجا پیش رفته اند که حاضرند خود را قربانی جهانی قدرتهای فطرتاً جنگ طلب مانند کشور چین در آسیا کنند.

من همواره دوش به دوش این افراد جنگیده ام. دولت ژاپن خود را زیر «چتر هسته ای» آمریکا قرار داده و اعلام کرده است که سه اصل اساسی مبارزه با بمب هسته ای یعنی نساختن و ندادن اجازه ورود و خروج آن، از سیاستهای دولت است و بدین وسیله عمل خود را از لحاظ اخلاقی موجه کرده است. اما از همان ابتدا، در خفاء موافقت کرده بود که چشمهای خود را بر ورود سلاحهای اتمی به داخل کشور توسط ناوهای جنگی آمریکایی ببندد. آنگاه که برای نابودی سلاحهای اتمی مبارزه می کردم و از وجود چنین فریبی در کشورم کاملاً آگاه بودم، سلین همواره در خاطر من حضور

در نوشته‌هایم پیرامون هیروشیما، داستان پزشکی را نقل کرده‌ام که با وجود اینکه خودشان نیز در معرض تشعشع قرار گرفته بودند و نمی‌دانستند از چه روش‌های درمانی استفاده کنند، در میان مخروبه‌ها و در فقر شدید دارویی، فوراً دست به کار شده و با پشتکار سعی کردند مردم را از چنگ مرگ نجات دهند و این پزشکها یکی پس از دیگری از پس مشکلات برآمدند.

در جریان تحقیقاتم دربارهٔ پزشکهای هیروشیما و ناکازاکی، طبیعتاً به یاد مبارزه بی‌امان دکتر دیتوش^۱ در مواجهه با جنگ افتادم. و نیز در طی همه روزهایی که در کنار پسر معلولم با مشکلات دردناک و غیره منظرهٔ گذر از کودکی به نوجوانی رویارو بودم، کتاب رقص ریگودون^۲ را می‌خواندم.

سلینی که سرپرستی بچه‌های معلول را در شهر مخروبه هامبورگ به عهده گرفته بود، به هنگام فرار از ویرانگریهای جنگ، در خیابانها به دنبال غذا پرسه می‌زند و می‌گوید:

«خیلی خب بچه! برویم!

می‌خواهم به دنبالم بیایند... من راه را نشانشان می‌دهم... نیروی این عبارت «دل داشته باش کوچولو!»، خواه جنون‌آمیز خواه نه، همیشه با من خواهد بود... آنچه در کودکی یاد می‌گیرند همیشه در خاطرشان حک خواهد شد... بعد از آن جز ادا و تقلید و تکرار و یکریز دولا راست شدن چیز دیگری نیست...»

سلین در واژه‌ها نیز چیره‌دست است. تأثیر او در قرن بیستم را می‌توان با داستایوفسکی مقایسه کرد که در اواخر عمرش گفته بود: کلمه «کودک» از ویژگی خاصی نسبت به دیگر کلمات برخوردار است. او از داستایوفسکی نیز پا فراتر می‌نهد، از این لحاظ که کودکانی را که طی سفر زجرآورش با آنها برخورد کرده است با حرارت بیشتری وصف می‌کند...

اگر به جملات سلین و نحوهٔ قرار گرفتن زمان حال داستان و زمان حال نوشتن آن دقت کنیم، می‌توانیم بگوییم که سلین هرگز از تعهد و فعالیت بازنایستاده و همواره شرایط دشوار را تقبل کرده است. و این همان چیزی است که از سلین، یک شاهد قرن بیستم و در عین حال، یک پیشگو می‌سازد. نمی‌توان انکار کرد که امروز هر کاری بکنیم، باز همانگونه که سلین با صراحتی پرشعف پیش‌بینی کرده بود، بدون برو برگرد در دام پوچی می‌افتیم.

اکنون در آغاز قرن بیست و یکم بسیاری از نویسندگان به ناچار با حوادثی رویارو می‌شوند که دنیا را به کلی تکان داده‌اند، مانند حادثه یازده سپتامبر در نیویورک، بمبارانهای افغانستان یا بحران فلسطین و اسرائیل. اما هیچکدام سبک و واژگان سلین را ندارند، از جمله خود من. بدون هیچ دلیل عینی، بدون ارتباط با هرگونه چشم‌اندازی، به این واژه‌های تحریک‌آمیز گوش فرامی‌دهم: دل داشته باش کوچولو!...

بدین ترتیب از چهل سال پیش تاکنون بار مسئله سلین را به دوش کشیده و به کار مشغولم. خنده آن غول پیرانه سر را تجسم می‌کنم و در ژرفنای قلب خود می‌بینم که این منم که جمله او را فریاد می‌زنم، جمله‌ای که او در وصف خود گفته است:

«من در این چیزها بسیار قوی هستم: حافظه و رازپوشی...»

فرهنگ معاصر منتشر کرده است:

- فرهنگ فارسی تاجیکی (۲ جلد) / زیر نظر: محمدجان شکوری، ولادیمیرکا پرانوف، رحیم هاشم، ناصر جان معصومی / برگردان از خط سیریلیک و تصحیحات: محسن شجاعی / ۱۹۴۷ صفحه / ۲۴۰۰۰ تومان
 - فرهنگ معاصر پویا (انگلیسی - فارسی) / ۲ جلد / محمدرضا باطنی و دستیاران / ویراست سوم / ۲۰۱۰ صفحه / ۱۸۰۰۰ تومان
 - واژگان فارسی در انگلیسی (تبادل فرهنگها و زبانها) / احمد میر فضائلیان / ۲۳۶ صفحه / ۲۴۰۰ تومان
 - فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی / کوروش صفوی / ۱۳۸ صفحه / ۶۲۰۰ تومان
 - فرهنگ معاصر فارسی - فرانسه / محمدرضا پارسایار / ۳۵۴ صفحه / ۱۴۰۰ تومان
 - فرهنگ شیطان (فارسی - انگلیسی) / امیروز بیرس / رضی هیرمندی / ۲۵۰ صفحه / ۲۴۰۰ تومان
 - راهنمای مواد و اسلوبها / (طراحی و نقاشی) / روئین پاکباز / ۳۵۶ صفحه / ۹۸۰۰ تومان
- فرهنگ معاصر - خیابان دانشگاه - شماره ۴۵ - کدپستی ۱۳۱۴۷
- تلفن ۶۶۴۶۵۵۲۰ - فکس ۶۶۴۱۷۰۱۸

Céline
Rigodon



کتابخانه و موزه اسنادی و مطالعات فرهنگی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

folio